



۲۰۱۶/۰۸/۲۵



مصطفی «عمرزی»

اندر حکایت حقیقت سعدی شیرازی

(معرفی کتاب مگر این پنج روزه)

شهرت دو کتاب «گلستان و بوستان»، پذیرش مجعوله ی سعدی شیرازی را بسیار آسان کرده است. در حوزه ی فرهنگ و ادبیات و چه در حوزه ی تعلیم و تحصیل، دو کتاب فوق، شهرتی به هم رسانیده اند که هرگاه عادت بینش سابق بر آن ها متغیر شود، در جوامع عقب مانده ای همانند جامعه ی ما، تکفیر و اتهام بر روشنگری، دو اصل مهم جاهلی خواهند بود. چند سال قبل در پی بلا تکلیفی در برابر موج آلوده گی فکری که بیشترین ناشی از ابهامات تاریخی، ادبی و در کل فرهنگی می شد و در واقع همه در جهت ستیز قومی، مردم ما را غافل می سازند تا در جهت یافت راه حل مشکلات، همواره در توهم بمانند که گره مشکلات آنان با وسایلی گشوده می شود که در گذشته های خیلی دور، بررسی پژوهشی نشان می دهد خود کورگره های وخیم اند، در مسیر دیگری ره زدیم تا واقعیت ها رونما شوند.

خوشبختانه در عصری زنده گی می کنیم که با ابعاد گسترده ای از وسایل ارتباطی، ناهانی وجود نخواهد داشت تا مکتوم بماند و از حسن این فرصت، دریافت راه حل از مجرا هایی که وانمود می کردند وجود ندارد، ممکن است. سخن به درازا نرود، در بستر دنیای مجازی نت، شاهد مقالی شدم که هر چند جلوتر از زمانه زده است تا تنها بماند و تکفیر شود، اما نسخه ای ست که با وضاحت تبیین می کرد رفع اشکالات آلوده گی فکری، پیش از هر قیدی، در متنی نهفته است که تقدیس کرده ایم. به زودی دریچه ای با نام بزرگ و بزرگوار ی چون استاد ناصر پورپیرار، ما را در جمع دوستان او کشانید و با واقعیتی مواجه شدیم که با هزاران سند و مدرک، دعوت می کرد با تعمیم آن خود را تطهیر کنیم.

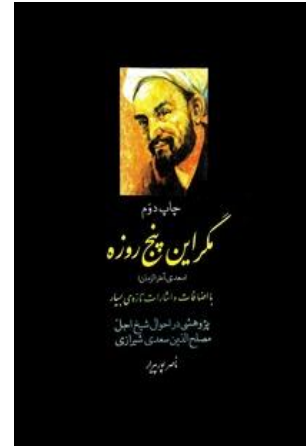
در شمار آن فرهنگیان افغان که هرگز بر نشریات پنج دهه ی گذشته مبنی بر تاریخ، ادبیات و فرهنگ با آن همه گاف ها، قناعت حاصل نکردیم ماحصل این تلاش نیم قرنه، چه نتیجه ای جز متکا برای ستیز قومی داشته است، استاد ناصر پورپیرار را جسوری یافتیم که در هاله ی فارسیسم عقب مانده، تفهیم می کرد بر همان نشانه ای بز نیم که نشان شان تعصب ساخته اند و تحرک برای این کردار، واقعیت ها و روشنگری هایی را باعث شد که اگر توفیق الهی نصیب شود، پس از تعویض نو با کهنه، رفع معایب بیشتر می شود. برای پرهیز از طوالت کلام و نیز این که با چاپ کتاب «پور خرد»، خردمندی را معرفی کردیم که بایسته است تا چند دهه ی بعد، آثار و کارنامه اش آیین نامه های کاری ما در عرصه ی ادب و فرهنگ باشد، در این فرصت در راستای تعمیم آثار او و بیرون رفت از هاله ی ابهام - با وسعت اسناد و مدارک، که نباید دنبال مقال عتیقه ی گذشته شد که در هیاهوی مردمسالاری تصنعی (چهارده سال اخیر) آشکار کرد نیم سده نشریات مبتنی بر سیاست ها و ساخت علایق شدید شوونیستی، چه بلایی بر سر مان آورده اند.

فارسیسم کشور همسایه، پس از تداخل عناصر استعمار، پسری را می زاید که اکنون با نام فارسی، در مرحله ی هار رسیده است و چیزی نمی ماند تا از وصله و پینه، تمامی منطقه را با هویتی (فارس) جعل کند- که فقط نتیجه ی یک عمل نامشروع سیاسی بود. با ارکان فارسیسم، متشکل از صد ها پایه و ستونی آشناییم که بررسی بی غرضانه ی آن ها نشان می دهد، ناگزیر شده اند با صد ها مهر و نشان نشراتی، گدایمی باشند که با میزان آن ها- اگر مشکل وزن حل می شود، به درستی تشخیص نمی شود چه ماهیتی وجود دارد.

ارکان فارسیسم، متشکل از ستون ها و پایه هایی ست که هر چند از ساخت و ساز غیر فارسی، بنا می شوند، اما ظاهراً سیاست های نیم قرن گذشته با وفور سرمایه گذاری ها، چنان جای واقعیت ها را گرفته اند که تحریف، اصل مهم مقوله ی فارسیسم است.

با نگارش این مقاله، هر چند کسانی که از قبل با جریان نو فرهنگی در ایران آشنایی دارند، غافل گیر نخواهند شد، اما از قبل واضح است که چه بهمنی بر خواب برده گان سرازیر می شود. در واقع با فهم این مطلب که برای رفع آلوده گی های فکری، کنار گذاشتن نگرش تقدس گونه بر میراث های فرهنگی- ادبی، نیاز های جدی جامعه ی ماست، در شمار آن افغانان قلم به دست تشویق می شویم که با درک رسالت نقش خویش، آگاه شده اند تفکیک، اصل مهم در شناخت خوب و بد است.

در این که چیزی با نام سعدی شیرازی، در بهانه های فرهنگی، دهن های بسیاری را به نشخوار می کشاند، از خلوت ها تا اجتماعات ما، این پدیده ی مجعول، جا افتاده است، اما آیا آن چه خاک و خشت این بنا را می سازد، چه قدر اصل است، گزیده هایی از کتاب «مگر این پنج روزه»، تالیفی از زنده یاد استاد ناصر پورپیرار را در زیر برگزیده ام تا ضمن آشنایی با گاف هایی که از گذشته وجود داشتند و ما به اشتباه علایم نقطه گذاری خرد پنداشته بودیم، چکیده ای از منظور را در حالی در برابر خواننده ی افغان قرار دهند که در ردیف بی خبران، هنوز باور دارند آنچه از گذشته ردیف می کنند، حرف ندارد.



د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنی د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکي په خير و لولي

کتاب «مگر این پنج روزه»، صفحات 154، 204، 229، 237، 240 و 271:

- «دویست سال پس از وفات شیخ اجل، اطلاعات جامی در باره ی وی چندان پریشان است که نمی تواند ملاک هیچ آگاهی و تحقیقی قرار گیرد. حتی آن چه شیخ جامی در باره ی سومنات می آورد با اشاره ی سعدی در بوستان موافق نیست. سعدی از شکستن بت در سومنات سخن نگفته، بل کشتن خادم آن را به گردن گرفته، الباقی نیز قصه سرایی هایی بر سبیل اختراق خرق عاداتی است که جامی غالباً برای آدمیان فهرست خویش به ثبت رسانده است. ص 154»

- «انصاف بدهید که مروت نیست خواننده در یک مقاله ی واحد و به قلم یک نگارنده ی واحد و در باره ی یک امر واحد و به فاصله ی فقط چند برگ، دو اظهار نظر به کلی مغایر و متفاوت و متضاد با یکدیگر بخواند که یکی می گوید صیت سخن سعدی همان در نگارش گلستان به جهان می رفته و چند صفحه ی بعد بخوانیم «مقارن تالیف این کتاب (گلستان و بوستان) هنوز سعدی چندان اسم و رسمی پیدا نکرده و شهرت اش عالم گیر نشده بوده است. باری، هیچ قول درست متکی بر سندی در این باب نداریم که شیخ ما پیش از تالیف گلستان و بوستان، تدوین و تحریری به دست داشته است یا خیر؟ و کسی کوشش کارآمدی نکرده است تا آشکار کند تاریخ ادب سرزمین ما نخستین بار از چه زمان نام و کاری از شیخ اجل را به یاد می آورد. ص 204»

- «عشق در این حکایات در سطح می جنبید، به شکل درمی آید، حریص و حسابگر حتی نامرد است. چه گونه است که سعدی آن جهان مطلوب خویش را در بوستان وامی گذارد و بدین گلستانی می جهد که شبیه یک پارک عمومی است، خلوتگاهی ندارد و این هنوز چشم انداز سمت عشق آن است که باید رویا انگیز تر باشد از کوشک های دیگر: فواید خاموشی، فضیلت قناعت، تاثیر تربیت، ضعف پیری و ... که نیست. ص 229»

- «چنین است که گلستان جنگ در همی است از آدم هایی که غالباً سایه اند، نام ندارند، و احوال شان غریب و غیر معمول است. حتی فصل بندی در گلستان نامرتب، خام، تازه کارانه، مغشوش و معیوب است. اما در بوستان، سیستم فکری هست و اغتشاش در آن به ندرت دیده می شود. اگر سعدی ابتدا بوستان را نوشته، پس به چه علت اسلوب و توازن اندیشه اش را کنار می گذارد و به جنگی روی می آورد که بسیار مورد انتقاد قرار گرفته است؟ ص 237»

- «گفتیم و اشاره کردیم و با ذکر نمونه هایی از دو متن نشان دادیم که اگر سعدی گلستان را پس از بوستان تالیف کرده باشد، به معنای این است که سعدی، هم از دیدگاه انسانی و هم در اسلوب نگارش دچار افت و شخصیت و بینش شده، به آسانی پذیرفتنی نیست، زیرا کار های بعدی سعدی، قصیده ها و غزل ها و قطعات، که گفتیم تمامی آن ها مسلماً پس از این دو کتاب سروده شده، از این دو اثر استوار تر و غنی تر است. سعدی از مولفانی است که در تجربه ی نگارش مسلط تر، تردست تر و خبره تر می شوند. پس مشکل است قبول کنیم شیخ بتواند پس از خلق کتابی چون بوستان، دست به نگارش گلستان بزند که در آن پیام ویژه ای، به نسبت آن چه در بوستان می بینیم، نیست. آیا سعدی پس از بوستان تخلیه ی اندیشه شده است؟ به هیچ وجه! غزلیات و قصاید سعدی از تعبیراتی سود برده است که توجه به آن خاص ذهن پویا و توانمندی است که به بالا صعود می کند. پس چه گونه بپذیریم که سعدی بلند مرتبه، جهان مطلوب و رویایی خویش را در بوستان بگذارد و به گلستان بزند؟ ص 240»

- «بدین ترتیب اینک کوشش برای یافتن نسخه ی اصیل و قدیمی از «شدالازار» و یا «مزارات شیراز» به یکی از وظایف مهم مراکز فرهنگی دولتی ملی تبدیل می شود. یافتن چنین نسخه ای، که به گمان صاحب این قلم، به احتمال قریب به یقین، در آن ذکری از خاکدان شیخ اجل یافت نخواهد شد بر متعصبین تفهیم خواهد کرد که اگر جنید بزرگ حتی یک قرن پس از درگذشت سعدی از ذکر مقبره ی او طفره رفته، پس چیست و جوی علت چنین پرهیز گسترده ای از شیخ که حتی قرنی پس از وفات، شامل مزار و خانقاه وی نیز شده است، مسلماً راه به جایی می برد که کشف آن شاید که کشف کلید رموز تاریخ ادبیات قرون هفتم و هشتم ایران باشد. ص 271.»

مهمترین ویژه گی کتاب «مگر این پنج روزه»، تحلیل پدیده ی قلبی سعدی بر اساس بلندترین روایاتی است که فرهنگیان متشخص ایران با تداخل ماخذ خود بافته، سعدی ساخته اند و برای نگهداری گنبد فارسی، پایه زده اند. با مطالعه ی کتاب «مگر این پنج روزه»، قرائت سلیقه بی منتقدی تبارز نمی کند که با درک ماهیت مشکلات در پی چاره جویی ست، بل با ردیفی از آن چه کارخانه ی سعدی سازی تولید کرده، آشکار می کند نه فقط مجموعه ی منتسب به سعدی که گاه با هزلیات، خبیثات و مضحکات، فراری پشت کرده بر اخلاق را معرفی می کند و گاه با گلستان و بوستان، نوسان قلم و اندیشه در متناقض نمای معرفی می شود که در زمان بی عینک تعصب، تعجب دست می دهد چرا تنوع کار قلم، کژدار و مریز است.

در واقع کتاب «مگر این پنج روزه»، با ارایه ی مجموعه ای از تضاد ها و تناقضاتی که تا نشر این کتاب، دقت نکرده بودیم هیچ کجای ناکجا آباد سعدی، راستی و آبادی ندارد تا نشانی او را به عنوان مخلوق آثار منتسب به او بشناسیم، در حالی که یقین حاصل می شود مجموعه ی ادبی منتسب به سعدی، صاحب اثر ندارد و نگاشته های گمنامانی اند که غیابت تاریخی یافته اند، نیز می توان با وفرت تناقض در حیات، تحصیل، سفر، سن، مرگ و قبرستان، این ظن را تقویت کرد که با نوع نگرش شوونیستی حاصل قرن بیست، نمی توان جغرافیا هایی سیاسی کنونی را در جغرافیای مدفون و متنوع عمق تاریخی، توسعه و رسمیت داد؛ زیرا نوع هویت سیاسی کنونی بر اساس نام ها و تشکل های جدید، با طرز تفکر و مرامی شکل گرفته است که

د پانوی شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولی

اندوخته‌ی مرزهای سیاسی کنونی را حرف آخر مایملک فرهنگی خودش می‌داند و بنا بر این وقتی در عصر به اصطلاح سعدی، تثبیت مرزی وجود نداشته است و رسمیت مرزی تضمین نمی‌شود، سعدی سازی در چوکات پدیده‌ای همانند فارسیسم، آلودگی فکری در جهت تقابل تعصب بر اساس ستیز قومی است.

کتاب «مگر این پنج روزه» با بررسی تمامی آثاری که سعدی زایی کرده اند، متوجه می‌کند گفان آن آثار، در میانه‌ی قید و قيودات انتساب، نشانی‌های زیر سایه اند که فقط دید علمی و انتقادی میری از تعصب کمک خواهد کرد بر اصل ماجرا هائی وقوف یابیم که اگر داستان راستان بوده است، در کوچه‌ی دل خواسته، چپ زده اند.

کتاب «مگر این پنج روزه»، شاهکاری در شمار آثار روشنگر نو است که در حوزه‌ی رواج زبان دری (افغانستان، تاجیکستان، ایران) بزرگی می‌کند و بهره می‌دهد تا در جهت کاهش تمایلات توهم افتخارات کذایی زاده‌ی تعصب قومی، تطهیر فکری به نفع روشنفکری واقعی، قبول عام یابد. چاپ این کتاب را برای ناشران افغان، توصیه می‌کنم و امیدوارم در این مسیر، به زودی خبرهای نگفته‌ی دیگر را شراکت عام دهم.

مشخصات:

کتاب «مگر این پنج روزه»، تألیف ناصر پورپیرار، 287 صفحه، اندازه‌ی A5، چاپ دوم- سال 1377، نشر کارنگ، قیدکتابخانه‌ی ملی ایران: 14293-77م

د پانیو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ